



بررسی سازگاری اجتماعی، عاطفی، آموزشی کودکان کلاس اول دبستان و مسائل و مشکلات آنها

- دکتر نسرين اکبرزاده

خلاصه: پیشرفت تحصیلی پانصد نفر کودکان کلاس اول دبستان (۲۵۰ دختر و ۲۵۰ پسر) از لحاظ تأثیر عواملی از قبیل رفتن به کودکستان، تعداد فرزندان خانواده، مقبولیت اجتماعی و جنسیت، مورد بررسی قرار گرفت و نتایج ذیل به دست آمد:

۱ - بین مقبولیت اجتماعی (یا موقعیت فرد در گروه) و پیشرفت تحصیلی، رابطه مستقیم وجود دارد.

۲ - بین تعداد فرزندان خانواده و پیشرفت تحصیلی، رابطه معکوس به دست آمد.

۳ - در کلاس اول دبستان، پیشرفت تحصیلی دانش آموزانی که قبلاً به کودکستان رفته‌اند، بیشتر از کودکانی است که قبلاً به کودکستان نرفته‌اند.

۴ - مقایسه گروه دختران و پسران نیز از لحاظ پیشرفت کلی در درس، تفاوت معنی داری نشان نداد. در درس خاص، مانند دیکته، نیز نتیجه مشابه بود. تفاوت آماری معنی دار بین دو گروه دختران و پسران در درس ریاضی به دست آمد؛ لیکن این موضوع مستلزم بررسیهای دقیقتر، همراه با استفاده از تست استعدادهای خاص، در این زمینه می باشد.

با توجه به اهمیت نقش سال اول دبستان در زندگی اجتماعی و تحصیلی کودکان، نتایج این گونه بررسیها می تواند به عنوان مقدمه تحقیقات گسترده دیگر، به معلمین، خانواده‌ها و برنامه ریزان آموزشی تا حدی کمک کند.

مقدمه - ورود به دبستان یکی از مهمترین و حساسترین مراحل رشد و سازگاری کودک را تشکیل می دهد. در این مرحله کودک بایستی علاوه بر شروع رسمی آموزش خواندن و نوشتن و ریاضی، روابط اجتماعی با گروه همسن را بیاموزد و این موضوع در سازگاری کلی وی تأثیر دارد.

تحقیقات متعدد نشان داده است کودکانی که مورد قبول گروه همسن خود هستند، عقایدشان نسبت به اجتماع مثبت بوده، رفتار دوستانه و عادی دارند و بر عکس کودکانی که کمتر مورد قبول گروه همسن خود هستند، احتمال پرخاشگری بیشتری داشته نسبت به اجتماع عقاید مبهمی دارند (اشر و رنشاو - ۱۹۸۱ و سایرین)^۱

طبق نظریه پیاژه، اغلب کودکان هنگام شروع دبستان از لحاظ رشد شناختی، در آستانه ورود به مرحله عملیات عینی منطقی (از ۷ تا ۹ سالگی) قرار دارند، که در این زمان کودک قادر به تثبیت ذهنی اشیا و حوادث خواهد بود^۲ همراه با رشد

عملیات منطقی، تفکر نیز از حالت تمرکز تغییر می‌یابد، یا به عبارت دیگر، کودک می‌تواند در عوض توجه و استدلال راجع به يك شیتی یا موضوع، به چند چیز توجه کند. به عقیده پیاژه «برخورد و تعامل با افراد هم سطح (گروه همسن) به این موضوع كمك می‌کند.» تحقیقات محدودی در این مورد صورت گرفته که نقش رشد شناختی را در تعامل با گروه^۲ همسن و بخصوص مقبولیت اجتماعی نشان دهد.

فرضیه‌های مورد بررسی

۱ - یکی از فرضیه‌هایی که در این تحقیق مورد آزمون قرار گرفت، «رابطه بین سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی» است؛ یعنی این سؤال مطرح بود که آیا دانش‌آموزانی که در دروس پیشرفت بیشتری دارند، بیشتر مورد قبول گروه همسن هستند؟ و بالعکس).

۲ - همچنین در رابطه با پیشرفت تحصیلی، یکی از عواملی که در نظر گرفته شد، تعداد فرزندان خانواده بود؛ یعنی در پی تحقیقات ژان روپوسو^۳ که می‌گوید، «دانش‌آموزانی که در دروس از همه ضعیف‌ترند، متعلق به خانواده‌های پرجمعیت هستند.» وی این نتیجه را از مقایسه کودکان متعلق به خانواده‌های دارای بیش از پنج بچه با کودکان خانواده‌های با يك، دو و سه بچه بدست آورد. چرا که خانواده‌هایی که يك، دو و یا سه بچه دارند، اگر چه ۴۸٪ ضعیف‌ترین شاگردان را در بر دارند، ۶۷٪ بهترین‌ها را نیز شامل می‌گردند. در تحقیق حاضر نیز این فرضیه مورد سنجش قرار گرفت.

۳ - با توجه به اهمیت آموزش و پرورش قبل از دبستان، در این تحقیق نیز تأثیر کودکان و آمادگی رفتن طفل در پیشرفت تحصیلی مورد سنجش قرار گرفت.

۴ - بالاخره، بین دو گروه دختران و پسران، از لحاظ پیشرفت کلی در دروس، و همچنین در هر درس خاص، مقایسه به عمل آمد، زیرا این سؤال مطرح بود که آیا از لحاظ یادگیری و پیشرفت تحصیلی بین دختران و پسران در این مقطع سنی اختلافی وجود دارد یا خیر.

روش

افراد مورد مطالعه:

نمونه مورد تحقیق را پانصد نفر کودکان سنین ۷-۶ سال (۲۵۰ دختر و ۲۵۰ پسر) در کلاس اول دبستان تشکیل می‌دهند که به طور تصادفی، از دبستانهای مناطق بیستگانه آموزش و پرورش شهر تهران انتخاب شدند.

اطلاعات لازم به وسیله سه نوع پرسشنامه به دست آمد، که عبارتند از:

الف - پرسشنامه دانش آموز. لازم به تذکر است که از آنجا که مسلماً در این سن و مقطع آموزشی، کودک قادر به درک و پاسخگویی به سؤالات به طور کتبی نیست، سؤالات به صورت پرسشنامه تنظیم شد؛ طی مصاحبه فردی با هر کودک این سؤالات، توسط پرسشگران (دانشجویان دروس رشد گروه روانشناسی) مطرح و جوابهای کودک ثبت گردید.

ب - پرسشنامه خانواده - طی آن اطلاعات لازم راجع به کودک توسط خانواده بدست آمد.

ج - پرسشنامه معلمین: نظر به اهمیت نقش معلمین کلاس اول دبستان در یادگیری و سازگاری اجتماعی کودک، در بررسی حاضر، اطلاعات مربوط به متغیر پیشرفت تحصیلی از درجه بندی شاگردان توسط معلمین به دست آمد؛ یعنی از معلم مربوط خواسته شد تا هر کودک مورد تحقیق را از لحاظ پیشرفت کلی در دروس و همچنین پیشرفت در هر درس خاص، به چهار درجه ضعیف، متوسط، خوب، عالی درجه بندی کند سپس به این درجه بندیها ارزش عددی بترتیب از ۱ تا ۴ داده شد.

در مورد سازگاری اجتماعی نیز در پرسشنامه معلمین راجه به هر کودک مورد مطالعه پرسیده شد که آیا براحتی با همسالان خود دوست می‌شود؛ یا خیر. همچنین پرسیده شد که آیا مورد قبول گروه همسن هست، یا خیر. در اینجا مناسبترین روش برای

کشف رابطه بین این دو متغیر، ضریب همبستگی دو رشته‌ای (Biserial) بود، زیرا متغیر پیشرفت تحصیلی کمی و فاصله‌ای و و متغیر سازگاری اجتماعی در هر سؤال کیفی و دو ارزشی می‌باشد. برای مقایسه دو گروه پسران و دختران از لحاظ پیشرفت تحصیلی و سنجش معنی‌دار بودن تفاوت بین آنها، از آزمون خی استفاده شد.

نتایج

۱ - در مورد بررسی رابطه بین مقبولیت اجتماعی و پیشرفت تحصیلی، همان طور که در روش توضیح داده شد، اطلاعات مربوط به متغیر پیشرفت تحصیلی، از درجه بندی هر دانش‌آموز توسط معلم مربوط به دست آمد. اطلاعات مربوط به سازگاری اجتماعی نیز طی دو سؤال راجع به هر کودک از معلمین حاصل شده که عبارتند از:

۱ - «براحی با همکلاسان خود دوست می‌شود، یا خیر.»

۲ - «آیا مورد قبول گروه همسن می‌باشد یا خیر» ضریب همبستگی دو رشته‌ای (Biserial) برای کل دو گروه دختران و پسران، بین متغیرهای پیشرفت تحصیلی و سازگاری اجتماعی (سؤال اول) محاسبه شد، و مقدار آن برابر $R_{Bis} + 0/44$ به دست آمد، که سطح اطمینان ۹۹٪ کاملاً معنی‌دار است.

همچنین مقدار ضریب همبستگی بین پیشرفت تحصیلی و مقبولیت اجتماعی (سؤال دوم) برابر با $R_{Bis} + 0/47$ به دست آمد که از لحاظ آماری کاملاً معتبر و معنی‌دار است؛ یعنی با ۹۹٪ اطمینان می‌توان قضاوت کرد که بین موقعیت فرد در گروه و پیشرفت تحصیلی او رابطه مستقیم و معتبر وجود دارد. به عبارت دیگر، دانش‌آموزان موفق‌تر بیشتر مورد قبول گروه همسن خود هستند؛ حتی در سال اول دبستان

۲ - بررسی چگونگی رابطه بین تعداد فرزندان خانواده و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، از روش ضریب همبستگی پیرسن (Pearson) با کمک جدول دو بعدی، استفاده به عمل آمد. برای حصول اطمینان، یک بار با روش نمره‌های اصلی و بار دیگر با روش متغیر فرضی، ضریب همبستگی محاسبه شد. نتیجه هر دو روش کاملاً یکسان و برابر $0/25$ به دست آمد، که در سطح اطمینان ۹۹٪ معتبر و معنی‌دار است؛ یعنی نشان می‌دهد که بین تعداد فرزندان خانواده و پیشرفت تحصیلی، رابطه معکوس وجود دارد. و این موضوع در تائید نتیجه تحقیقات ژان روپوسو است، که می‌گوید، «دانش‌آموزانی که در دروس از همه ضعیف‌ترند، متعلق به خانواده‌های پر جمعیت می‌باشد.»

۳ - کلیه دانش‌آموزان نمونه مورد تحقیق، بر حسب اینکه قبل از شروع دبستان، به کودکستان رفته یا نرفته‌اند، به دو گروه تقسیم شدند. از تعداد ۴۹۹ نفر که به این سؤال پاسخ داده‌اند، ۱۹۴ نفر به کودکستان رفته بودند و ۳۰۵ نفر نرفته بودند. ضریب همبستگی بین رفتن یا نرفتن به کودکستان و پیشرفت تحصیلی، با روش (Biserial) محاسبه شد، و مقدار آن، برابر $0/22$ به دست آمد. گرچه رابطه بسیار قوی نیست، ولی از لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار است؛ یعنی لائق با ۹۵٪ اطمینان می‌توان قضاوت کرد که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزانی که قبلاً به کودکستان رفته‌اند، در کلاس اول دبستان بهتر از کسانی است که قبلاً به کودکستان نرفته‌اند.

* این مقاله قسمتی از تحقیق گسترده «بررسی سازگاری آموزشی، اجتماعی، عاطفی کودکان اول دبستان و مسائل و مشکلات آنها» است، که حاوی نتایجی دیگر نیز در زمینه اضطراب، پرخاشگری، و مسائل و مشکلات عمومی کودکان کلاس اول دبستان می‌باشد، که بایستی طی مقالات جداگانه به تشریح هر یک بپردازیم. در صورت لزوم، گزارشهای مشروح این تحقیق که با همکاری دانشجویان گروه روانشناسی دانشگاه الزهراء انجام گرفته - می‌تواند در دسترس علاقمندان قرار گیرد.

1 - Asher & Renshaw 1981; Gottman, Gonso, & Rasmussen, 1975. Mize & Ladd 1988. Mize, Jacquelyn, "Social Knowledge and Social Competence: Number Quality of Strategies as Predictors of Peer Behavior, in J, Gen, Psychol, 1990, 151.

2 - Deutsch, Francine, :: Cognitive Processes & a Social Cognition in Kindergarten Children. in J, Genetic Psychology, 1981, 138, 63 - 73.

3 - Repusseau, Jean, Bon et Mauvais eleves 1978.

۴ - نتایج محاسبات آماری در مورد مقایسه پیشرفت تحصیلی گروه پسران و دختران نمونه مورد تحقیق به این شرح است:

الف) نتایج نتایج درجه بندی دانش آموزان (دو گروه پسران و دختران) از لحاظ پیشرفت کلی در دروس با آزمون خن محاسبه شد و معلوم گردید که تفاوت معنی داری بین دو گروه پسر و دختر، از لحاظ پیشرفت کلی در دروس کلاس اول ابتدایی، وجود ندارد؛ زیرا $X^2 = 3/61$ که از سطح $df = 3$ جدول در ۹۵٪ کمتر بود، پس تفاوت بین گروهها معنی دار نیست.

ب) در درس دیکته، با توجه به X^2 محاسبه شده $= 0/875$ ، که از سطح جدول بسیار پایین تر است. اختلاف بین گروه پسران و دختران معنی دار نیست.

۳ - فقط در درس ریاضی، تفاوت آماری معنی دار بین گروه دختران و پسران به دست آمد؛ یعنی با توجه به X^2 محاسبه شده $= 7/226$ در سطح اطمینان ۹۵٪ تفاوت بین دو گروه از لحاظ پیشرفت تحصیلی در درس ریاضی معنی دار است. گرچه در شروع کلاس اول دبستان، انتظار چنین اختلاف معنی داری بین دو گروه نیست ... بنابراین، این موضوع مستلزم بررسی بیشتر بوده، مقدمه تحقیق کامل دیگری را در این زمینه در مقاطع مختلف سنی و کلاسی فراهم می آورد.

بحث

در این بررسی، رابطه مثبت بین موفقیت در دروس و مقبولیت اجتماعی بین گروه همسن بدست آمد. یعنی نشان داده شد دانش آموزانی که در دروس پیشرفت بیشتری دارند، بیشتر مورد قبول گروه همسن میباشند.

نظر با اهمیت این موضوع و همچنین عکس آن یعنی با توجه به عقیده پیاژه در مورد «تأثیر برخورد و تعامل با گروه همسن در رشد شناختی» (دویچ فرانسیس در مجله روانشناسی ژنتیک ۱۹۸۱) و با در نظر گرفتن تأثیر مقبولیت اجتماعی در سایر جنبه های سازگاری در سراسر زندگی فردی، برنامه ریزی آموزشی کلاس اول دبستان بایستی با توجه به مراحل رشد شناختی کودکان صورت گیرد و به نحوی تنظیم یابد که امکان موفقیت برای کودکان را فراهم کند. همچنین معلمین با تجربه و کاردان بایستی به این مقطع تحصیلی تخصیص داده شوند و اولیاء نیز بیشتر در جریان آموزش و مسائل فرزندان خود قرار گیرند.

تأثیر منفی خانواده پرجمعیت در پیشرفت تحصیلی کودکان مورد تحقیق، نظر ژان رویوسو را تأیید می کند و جا دارد این موضوع از طریق رسانه های گروهی برای راهنمایی خانواده ها مورد استفاده قرار گیرد.

اثر مثبت به کودکان رفتن در پیشرفت تحصیلی کودکان کلاس اول دبستان، که در این تحقیق به دست آمد، مؤید نظر ژان رویوسو است، که می گوید: «تمام کودکانی که به کودکان ترفه اند، نسبت به گروه همسن خود تا حدی عقب تر هستند». البته در اینجا مقصود از کودکان، کلاسهای آمادگی است؛ و آنچه رویوسو بیان می کند، در مورد کودکانهای فرانسه است، که برنامه کامل آموزش همه جانبه دارند.

بنابراین، توجه به آموزش و پرورش قبل از دبستان و برنامه ریزی کامل و یکنواخت در کلیه مناطق، می بایست در سرلوحه برنامه مسئولین قرار گیرد. زیرا علاوه بر همبستگی معنی دار آماری که بین پیشرفت تحصیلی و به کودکان رفتن در این تحقیق به دست آمد، در قسمتی که راجع به مسائل و مشکلات عمومی کودکان کلاس اول دبستان از معلمین سؤال شد، آنها نیز اکثراً ترفتن به کودکان را یکی از عوامل مهم در عدم پیشرفت تحصیلی در کلاس اول ابتدایی ذکر کردند.

از جنبه مطالعات نظری هم، یافته های این تحقیق نشان داد که از لحاظ پیشرفت کلی در دروس، و دروس خاصی مانند دیکته، عامل جنسیت در این مقطع سنی مؤثر نیست. تفاوت معنی داری که از لحاظ پیشرفت در درس ریاضی بین دو گروه دختران و پسران به دست آمد، مؤید این نظریه است که «دختران و پسران، صرف نظر از هوش کلی، از لحاظ استعداد خاص ریاضی با هم متفاوتند»، در اینجا مورد بحث می باشد که این مسئله مستلزم تحقیق و بررسی بیشتر است و می تواند مقدمه تحقیق کاملتر دیگری باشد که در آن تست استعداد ریاضی نیز مورد استفاده قرار گیرد.

در بحث راجع به محدودیتهای این تحقیق، شاید موضوع پیشرفت تحصیلی در سال اول دبستان و چگونگی سنجش آن، به نظر قابل بحث باشد، ولی نظر با اهمیت این سال، به عنوان شروع رسمی آموزش، و تأثیر آن در سایر مقاطع، جا دارد تحقیقات دیگری نیز به منظور یافتن راه حلهایی برای بالا بردن کیفیت آموزش و پرورش در این مقطع صورت گیرد. نیز نظیر چنین تحقیقی را می توان برای سایر مقاطع تحصیلی دبستان انجام . نتایج را مورد مقایسه قرار داد.

در اینجا لازم می دانم مراتب سپاسگذاری و تشکر خود را از بذل توجه و مساعدت معاونت محترم پژوهشی و مسئول طرحهای دانشگاه الزهراء در انجام این تحقیق و همچنین از همکاری استاد طباطبایی در تجزیه و تحلیل آماری داده ها و دستیاری دانشجویان، خانمها اکبری، پشمینه، یربی، کشاورز محمدی و هادی قراچه، در این تحقیق و نیز دانشجویان گروه روانشناسی که در جمع آوری داده ها همکاری کردند اعلام نمایم.

فهرست منابع

- 1- Andrey, La psychologie a L'ecole. P. U. F. 1986.
- 2- Anzieu, D, Les methodes Projectives, P. U. F. 1973.
- 3- Akbarzhdeh, Nassrine, Etude Psycho - Pedagogique et Orientation Scolaire des enfants (Francais et Immigres de 6 à 8 ans), These de Dotorat, 1975 Université Paul Valery.
- 4- Carter, Frank and Cheesman, Peter, Anxiety in Childhood and adolescence. 1988.
- 5- Deusch, Francine, "Cognitive Processes and Social Cognition in Kindergarten children., in the Journal of Genetic Psycholog 1981, 138, 63-73.
- 6- Dolto, Francoise, Ia difficulté de vivre, 1986.
- 7- Dr Ganlimard, Pierre, L, enfant de 6 à 11 ans, 1962.
- 8- Kolb, Lawrence C. M. D. , and Brodie, H. Keith M. d. Modern ClinincaI Psychiatry, Tenth Edition, 1982.
- 9- Lerner, Richard, M and Hultsch, David F. Human Development, A Life - Span perspective. 1983
- 10- Mize, Jaquely and Cox, Rebecca, "Social Knowledge and Social Competence; Number and Quality of Strategies Predictors as predictors of peer Behavior. in J, Gen, psychl, 1990. 151,
- 11- Mussen, paul, Conger John J, and Kagan, Jerome, Child Developent and personality, Fifth Edition 1979.
- 12- PIAGET, JEAN, PROBLEMES DE PSYCHOLOGIE GENETIQUE, 1972
- 13- Repousseau, Jean, Bons et Mauvais Eleves. 1978. Collection / E3 (Enfance - Education Enseignemt).
- 14- Zazzo, René, Manvel pour L'examen psychologique de L'enfant. II. 1969.

